

Assessment of China's Soft Power in the Region of Arabic Middle East

Seyed Hamed Hosseini* 

PhD Student in International Relations, University of Guilan, Rasht, Iran, hamedhoseini@ut.ac.ir

Seyed Amir Niakooee

Associate Professor, Department of Political Science, University of Guilan, niakooee@gmail.com

Abstract

Objective: The specific purpose of this article is to understand the nature of China's soft power in terms of the subject matter that has been studied in the spatial context of the Arabic Middle East and the time span of the activities of Confucian institutions in this region. To address the purpose of the article, we begin with a broad theoretical and conceptual context that examines the concept of soft power, especially its educational aspect, and then evaluates the specific characteristics of China based on Confucian institutions.

Method: Depending on the purpose and subject of the article, explanatory research method is used to understand the problem. Therefore, it is desirable to examine the status of variables and the relationships between them in a particular environment; In this regard, each of the independent and dependent variables are described first and then the relationship between these two variables is analyzed and explained.

Results: The findings of the study rely on the type of responses to the performance of institutions and have led to the perception that Confucian institutions, as a tool of Chinese soft power and part of the network of influence, have effectively penetrated the Arabic Middle East and without the negative consequences and significant criticism at the supply and demand levels, the participation and support of the governments of the region have been welcomed.

Conclusion: This analysis of the data concludes that the Confucian Institutions, as a tool of China's soft power, have effectively penetrated the Arabic Middle East, and that policymakers, faculty members, and students have welcomed these institutions almost without much criticism.


Keywords: China, Soft Power, Confucian Institutions, the Arabic Middle East, Influence

Article type: Research

* Received on 23 September, 2021 Accepted on 28 June, 2022

Cite this article: Hosseini & Niakooee (2022) Assessment of China's Soft Power in the Region of Arabic Middle East, Summer 2022, Vol.11, NO.2, 79-103

DOI: 10.30479/psiw.2023.16701.3077

© The Author(s). 

Publisher: Imam Khomeini International University.

Corresponding Author: Seyed Hamed Hosseini

E-mail: hamedhoseini@ut.ac.ir

ارزیابی قدرت نرم چین در منطقه خاورمیانه عربی

سید حامد حسینی *

دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان، رشت، ایران hamedhoseini@ut.ac.ir

سید امیر نیاکویی

دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه گیلان، niakoe@gmail.com

چکیده

هدف: هدف مشخص در این مقاله، درک ماهیت قدرت نرم چین به لحاظ موضوعی می‌باشد که در بستر مکانی خاورمیانه عربی و دامنه زمانی شروع فعالیت مؤسسات کنفوسیوسی در این منطقه مورد بررسی قرار گرفته است. برای پرداختن به هدف مقاله، ما با یک زمینه نظری و مفهومی گسترده شروع می‌کنیم که مفهوم قدرت نرم و به‌ویژه جنبه آموزشی آن را بررسی می‌کند و به دنبال آن، ویژگی‌های خاص کشور چین را استوار بر مؤسسات کنفوسیوس ارزیابی می‌کنیم.

روش: با توجه به هدف و موضوع مقاله، از روش تحقیق تبیینی برای درک مسئله استفاده می‌شود. بنابراین، بررسی وضعیت متغیرها و روابط بین آن‌ها در محیطی خاص مورد نظر است؛ بدین اعتبار ابتدا هر یک از متغیرهای مستقل و وابسته توصیف می‌شوند و سپس رابطه بین این دو متغیر، مورد تحلیل و تبیین قرار می‌گیرد.

یافته‌ها: بررسی و یافته‌های پژوهش؛ متکی به نوع پاسخ‌ها نسبت به عملکرد مؤسسات می‌باشد و به این برداشت رهنمون شده است که مؤسسات کنفوسیوس، به‌عنوان ابزاری از قدرت نرم چینی و بخشی از شبکه نفوذ، به‌طور مؤثر در خاورمیانه عربی نفوذ کرده‌اند و بدون پیامد منفی و انتقاد قابل توجه در سطوح عرضه و تقاضا، مشارکت و حمایت دولت‌های منطقه مورد استقبال قرار گرفته‌اند.

نتیجه‌گیری: این بررسی و تجزیه و تحلیل داده‌ها، به این نتیجه می‌رسد که مؤسسات کنفوسیوس، به‌عنوان ابزاری از قدرت نرم چین، به‌طور مؤثری در خاورمیانه عربی نفوذ کرده و سیاست‌گذاران، اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و دانشجویان، تقریباً بدون انتقاد قابل توجهی، از این مؤسسات استقبال کرده‌اند.

واژگان کلیدی: چین، قدرت نرم، مؤسسات کنفوسیوس، خاورمیانه عربی، نفوذ
نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۰/۲ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۴/۷

استناد: حسینی و نیاکویی (۱۴۰۱)، ارزیابی قدرت نرم چین در منطقه خاورمیانه عربی، تابستان ۱۴۰۱، دوره ۱۱، شماره ۲،

پی‌اچ‌اچ: ۷۹-۱۰۳



ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) حق مؤلف ©

مقدمه

از آغاز سال ۲۰۰۴، دولت چین، منابع و تلاش‌های گسترده‌ای در ایجاد مراکز فرهنگی و زبانی موسوم به مؤسسه کنفوسیوس^۱ (به نام فیلسوف چینی قرن ششم پیش از میلاد) سرمایه‌گذاری کرده است. این مؤسسات، که در عمده دانشگاه‌های سراسر جهان فعالیت می‌کنند، توسط هانبن^۲ (دفتر شورای بین‌المللی زبان چینی، شاخه‌ای از وزارت آموزش چین) مدیریت می‌شوند. از سال ۲۰۰۶، مراکز مؤسسه کنفوسیوس در کشورهای عرب‌زبان شروع به کار کردند و تا سال ۲۰۲۰، هانبن، ۱۵ مؤسسه از این دست تأسیس کرد که در تعدادی از دانشگاه‌های منطقه فعالیت می‌کنند. مؤسسات کنفوسیوس، عمدتاً از طریق تفاهم‌نامه شکل می‌گیرد که اجباری در آن نیست و هدایت آن توسط دو طرف صورت می‌گیرد؛ لذا هر اقدامی که در آن صورت می‌گیرد، منافع طرفین در آن لحاظ می‌شود. هدف رسمی این مؤسسات، همان‌طور که در وبسایت‌های آن‌ها وجود دارد، ارائه دوره‌های زبان چینی و فعالیت‌های فرهنگی چینی با مخاطبان اغلب دانشجوی و محقق است. با این حال، این مؤسسات هدف دیگری را دنبال می‌کنند که بخش مهمی از مجموعه تبلیغاتی خارج از کشور چین و دریافت بازخوردها نسبت به عملکرد آن‌ها است (Report, 2009). در وضعیت فعلی، زبان چینی، محور اصلی فعالیت مؤسسه است؛ اما در نگاه کلان، مؤسسات کنفوسیوس به لحاظ کار ویژه خود، به چهار نوع تقسیم می‌شود:

۱- زبان و فرهنگ چینی: برای آموزش زبان، فرهنگ و حتی مهارت‌هایی؛ از قبیل توریسم، فنی و حرفه‌ای و معرفی کشورها به یکدیگر.

۲- تکیه بر پژوهش‌های چین‌شناسی: ایجاد مراکز مطالعات چین در دانشگاه‌های بزرگ دنیا، با تکیه بر پژوهش در شعر، ادبیات، باستان‌شناسی و... در چین با تکیه بر پژوهش.

۳- موارد خاص: مواردی از قبیل طب سنتی، گردشگری، سلامت، غذا، معماری، هنر، موسیقی و رقص را هدف قرار داده و در این زمینه، تدریس، تحقیق و تبادل اطلاعات انجام می‌دهد.

۴- توسعه اقتصادی: در کشورهای آفریقایی و بعضی کشورهای آسیایی، با هدف توسعه اقتصادی و ایجاد شغل برای دانشجویان ایجاد می‌شود و زبان چینی یا سایر آموزش‌ها؛ مثل آموزش‌های فنی و حرفه‌ای هدفمند و در راستای شغل آینده تدریس می‌شود (Hanban).

این ابتکار عمل چین، بخشی از سیاست‌گذاری گسترده است که به‌عنوان اجرای خطوط ارتباطی قدرت نرم به کشورهای خاص که چین علاقه‌مند به توسعه و تقویت تصویر خود از طریق تأثیرگذاری بر گفتمان محلی یا افکار عمومی است، تعریف شده است. به‌عنوان مثال؛ علاوه بر این مؤسسات، چینی‌ها در ترجمه ادبیات چینی به عربی، هدیه دادن مجموعه‌های تلویزیونی

1. Confucius Institute

2. Hanban

چینی به شبکه‌های تلویزیونی عربی، نمایش مردم و هنرهای چینی در نمایشگاه‌ها و موزه‌های محلی و موارد دیگر سرمایه‌گذاری کردند (Lebel, 2020). در واقع استفاده از این خطوط ارتباطی، نفوذ در چارچوب مجموعه تبلیغات خارج از کشور چین تعریف می‌شود. مردم خاورمیانه، به طور سنتی تحت تأثیر منابع خارجی از انگلیس و فرانسه قبل از جنگ جهانی دوم و سپس ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی قرار گرفته‌اند. هرچند که شاهد مقاومت محلی در برابر حضور بیگانگان و تأثیر آن‌ها بوده‌ایم؛ اما نفوذ نرم بازیگران خارجی، از بسیاری جهات در خاورمیانه عربی رخنه کرده است و اقدامات انجام شده اخیر توسط چینی‌ها و از طریق عملکرد مؤسسات کنفوسیوسی نیز در این نفوذ فرهنگی تأثیرگذار بوده است و در ادامه، یک روند تاریخی از حضور قدرت‌های بزرگ در این منطقه تلقی می‌شود. این مقاله، با هدف بررسی ویژگی‌های اصلی مؤسسات کنفوسیوس و پاسخ‌های محلی به تأسیس آن‌ها در دانشگاه‌های کشورهای عربی‌زبان در خاورمیانه و شمال آفریقا است و شاخصی را برای بررسی میزان موفقیت این مؤسسات ارائه می‌دهد.

برای پرداختن به اهداف مقاله، ما با یک زمینه نظری گسترده شروع می‌کنیم که اصطلاح قدرت نرم و به‌ویژه جنبه آموزشی آن را که شامل ویژگی‌های خاص و منحصر به فرد کشور چین است را بررسی می‌کند. سپس خصوصیات مؤسسات کنفوسیوسی را ارزیابی می‌کنیم و به دنبال آن، تجزیه و تحلیل خصوصیات خاص و نوع پاسخ به مؤسسات فعال در کشورهای عربی‌زبان را دنبال می‌کنیم. به منظور ترسیم یک تصویر کامل و بر اساس روش‌های پذیرفته شده برای تحلیل پیامدهای نمادین و استراتژیک سیاست‌های عمومی و فعالیت‌های سازمانی، مطالعه حاضر متکی بر سیاست‌گذاری‌های کلان تصمیم‌گیرندگان در مسیر تأثیرگذاری بر فضای عمومی، دانشگاهی و سیاسی از طریق توسعه زبان و فرهنگ چینی و در نتیجه ارتقای موقعیت بین‌المللی چین ارزیابی می‌شود و می‌توانیم فرض را بر این بگذاریم که این مؤسسات، بخش اصلی سیستم ارتباطی قدرت نرم چین هستند که به سمت جهان عرب هدایت می‌شوند و می‌توانند بینشی درباره ویژگی‌ها و پاسخ‌های این مؤسسات بدست آورند.

چارچوب نظری: مفهوم قدرت نرم

اصطلاح قدرت نرم^۱ اولین بار توسط جوزف نای در سال ۱۹۹۰ ابداع شد. تعریف قدرت نرم، به‌عنوان توانایی یک کشور برای دستیابی به نتایجی که در سیاست جهانی ترجیح می‌دهد تا سایر کشورها آن را دنبال کنند یا شرایطی که چنین اثراتی را به‌وجود می‌آورد (Nye, 1990: 154) و در مقابل، استفاده از قدرت سخت؛ مانند ابزارهای اقتصادی، سیاسی و نظامی در جهت دستیابی به نفوذ قرار می‌گیرد. اصطلاح قدرت نرم، تا حدودی بر اساس نوشته‌های ادوارد هالت

1. Soft Power

کار است که تئوری اصلی او، قدرت بر عقیده در مورد جذابیت فرهنگ، آرمان‌ها و ارزش‌های سیاسی در روابط بین کشورها و همچنین کار استیون لوکس در مورد بُعد سوم قدرت مبتنی شده است. وی قدرت نرم را به‌عنوان تأثیرات فرهنگی و آموزشی یک کشور بر سایر کشورها تعریف می‌کند که آن‌ها را وادار می‌کند، اهداف کشور فعال را با اراده آزاد خود و نه در نتیجه زورگویی اتخاذ کنند (Carr, 1954).

به گفته جوزف نای که به توسعه این اصطلاح ادامه داد، قدرت نرم دارای سه مؤلفه اصلی است: فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی (Nye, 2004: 11). در مقاله حاضر، به جنبه فرهنگی این اصطلاح پرداخته و مؤسسات کنفوسیوسی را در مرکز این مطالعه قرار می‌گیرند که در صحنه فرهنگی فعالیت می‌کنند. از این‌رو، هر زمان که اصطلاح قدرت نرم ذکر شود، فقط ناظر بر جنبه فرهنگی این اصطلاح است. فرهنگ یک کشور؛ از جمله زبان آن، در واقع هویت و بنیادی است که می‌تواند طیفی از فعالیت‌ها و تلاش‌های آن در زمینه قدرت نرم را قابل پیاده‌سازی کند. شایان ذکر است؛ به سطوح متفاوت در منابع قدرت ملی هر کشوری، تمام بازیگران عرصه بین‌الملل، توانایی اجرای قدرت نرم خود را ندارند و اقدامات قدرت نرم، توسط کشوری اجرا می‌شود که به‌عنوان بازیگر فعال عمل کند تا بتواند بر ترجیحات جمعیت یک کشور دیگر یا بازیگر منفعل، از طریق تأکید بر مثبت‌ترین و جذاب‌ترین جنبه‌ها تأثیر بگذارد.

به گفته نای، روش سنتی اعمال قدرت، همان قدرت سخت است که به‌عنوان توانایی استفاده از چماق و هویج‌های اقتصادی و نظامی برای ترغیب دیگران به خواست شما تعریف می‌شود. این نوع قدرت، ناشی از توانایی کشور فعال در استفاده از زور مستقیم علیه کشور منفعل از طریق مشوق‌ها و ایجاد انگیزه‌های مالی یا تهدید به استفاده از نیروی نظامی یا اجرای اهرم‌های فشار سیاسی - دیپلماتیک است (Nye, 2003). به عبارت دیگر؛ در حالی که قدرت، سخت طرف منفعل را مجبور می‌کند تا هر کاری را که طرف فعال می‌خواهد انجام دهد، با قدرت نرم، بازیگر فعال سعی می‌کند که طرف منفعل را متقاعد کند تا اراده خود را انجام دهد. در نهایت قدرت سخت و نرم، با هم ادغام شده و در مسیر دستیابی به اهداف بازیگر فعال عمل می‌کنند.

در همین چارچوب، قدرت نرم بازیگر فعال، با تأکید بر جنبه‌های مثبت این بازیگر فعال در داخل کشورهای منفعل، به‌منظور ایجاد یا تقویت آگاهی مثبت نسبت به این بازیگر عمل می‌کند. ابزارهای موجود در این زمینه کاملاً متنوع هستند و شامل فعالیت‌های آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و هنری است. برای انجام چنین فعالیت‌هایی، امکاناتی وجود دارند که به توانایی‌های مالی، ویژگی‌های آن و هدفی که استفاده از این ساز و کار به دنبال آن است، بستگی دارد. مخاطبان هدف نیز متنوع هستند و انتخاب آن‌ها، به نتیجه‌ای بستگی دارد که بازیگر فعال بخواهد برای آن از قدرت نرم خود استفاده کند. من هونگوا، بیان کرده است که فرهنگ به خودی خود نمی‌تواند آگاهی همه اعضای کشورهای منفعل را نسبت به کشور فعال تغییر دهد؛ اما فعالیت‌های فرهنگی،

هنگامی که در کشور منفعل اجرا می‌شوند، قدرت تأثیرگذاری بر گروه‌های منتخب از آن کشور را دارند و آن‌ها به نوبه خود، بر آگاهی عمومی تأثیر می‌گذارند (Guancha, 2007: 2).

بنابراین، فقط منطقی است که تصور کنیم، بسیاری از کشورهای فعال، منابع قابل توجهی را به سمت تأثیرگذارترین گروه بانفوذ در کشور منفعل؛ یعنی نخبگان محلی هدایت می‌کنند تا با حداقل سرمایه‌گذاری، به حداکثر نتایج برسند. علاوه بر این، یکی از بهترین و کارآمدترین راه‌ها برای تأثیرگذاری بر دیدگاه‌های مردم جهان، آموزش است که به همین دلیل، یکی از کارآمدترین خطوط ارتباطی قدرت نرم محسوب می‌شوند (Rutkowski, 2007). به همین دلیل است که قدرت‌های نوظهور مانند: برزیل، روسیه، هند و چین که مشتاق به اتخاذ مدل‌های اقتصادی نوآورانه هستند، توجه ویژه‌ای نیز به مدرن‌سازی و بین‌المللی‌سازی سیستم‌های آموزش ملی خود دارند. بنابراین، این کشورها از طریق ایجاد مؤسسات آموزشی و فرهنگی و با ارائه کلاس‌ها، رویدادها و کارگاه‌های آموزشی، در طیف گسترده‌ای از موضوعات، در کشورهایی که مایل به تأثیرگذاری هستند، اقدام می‌کنند. آنچه به احتمال زیاد کشور را در مسیر اهداف آینده هدایت می‌کند، با تمرکز بر تلاش‌های تأثیرگذار آموزشی - فرهنگی خود در نهادهای فرهنگی کشور منفعل، قابلیت دسترسی را خواهد داشت.

دانشگاه‌ها، به‌عنوان مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی که مدارک علمی را ارائه می‌دهند، مکان اصلی آموزش رهبران آینده یک کشور هستند. در حقیقت، دانشگاه‌ها به‌عنوان عرصه رشد و استقرار نخبگان بعدی همه کشورها عمل می‌کنند. این واقعیت که بیشتر دانشجویان دانشگاه جوان هستند، به افراد تأثیرگذار اجازه می‌دهد تا در صورت موفقیت، به یک دژ مستحکم دست یابند و سال‌ها توجه آن‌ها را جلب کنند. این رویکرد، که توجه را به سمت یک گروه منتخب بیشتر از عموم مردم معطوف می‌کند، ممکن است در نگاه اول به‌عنوان غفلت از عموم مردم تلقی شود؛ اما در حقیقت، اگر کشور فعال با تغذیه اطلاعات متناسب با نیازهای خود و متقاعد کردن آن‌ها در جذابیت‌های خود، نخبگان را برای سرمایه‌گذاری انتخاب کند، ممکن است سود مضاعفی بدست آورد؛ زیرا گروه نخبه کاملاً متمرکز، به‌نوبه خود، پیام‌ها را به بقیه مردم منتقل و دامنه تأثیر بسیار گسترده‌تری را فراهم می‌کنند. پس دانشگاه‌ها به‌عنوان مؤسساتی که نخبگان را آموزش می‌دهند، مکانی ایده‌آل برای هدایت خطوط ارتباطی قدرت نرم هستند (Florida, 1999).

چینی‌ها سابقه طولانی در استفاده از فرهنگ خود برای جذب و ایجاد یک مخرج مشترک فرهنگی دارند. نای در کتاب خود، به نام «آینده قدرت» اشاره می‌کند که لائو تزو، فیلسوف برجسته چینی، این استدلال را مطرح می‌کند؛ بهترین رهبر کسی است که مردم به‌سختی درک کنند که او اصلاً وجود داشته است. هنگامی که کارش انجام شود و هدفش برآورده شود، آنگاه مردم می‌گویند که ما خودمان این کار را انجام داده‌ایم (Nye, 2011: 81). در طول تاریخ، چینی‌ها

برای دستیابی به منافع سیاسی، از ابزار فرهنگی نیز استفاده می‌کردند. این ابزار، در دهه‌های گذشته نیز تداوم یافته‌اند. به‌طور نمونه، پانداها، نقش دیپلماتیک و فرهنگی پیدا کرده‌اند و در دهه ۱۹۷۰، دولت چین با همین هدف، پانداها را به باغ وحش در ایالات متحده آمریکا و ژاپن برای ترویج گفتمان مثبت در مورد چین هدیه داده است. چنین ابتکاراتی در نخستین مبادلات فرهنگی بین چین و غرب در عصر کنونی مشخص شده است و به‌عنوان دیپلماسی پاندا شناخته می‌شود (Magnier, 2006).

ژو آنلای، نخست‌وزیر جمهوری خلق چین، در مورد این موضوع گفت: فرهنگ، ابزاری در دست سیستم سیاسی و اقتصادی، برای ارتقای همکاری بین چین و جهان است. سخنان وی، بیانگر همان رویکردی است که به دوران سلسله‌های چینی بازمی‌گردد و شامل استفاده از ابزار فرهنگی، برای دستیابی به اهداف سیاسی به‌عنوان یک عمل معمول و به‌ظاهر مؤثر است. مسابقات تنیس روی میز، بین تیم‌های ایالات متحده آمریکا و چین، در طول مسابقات قهرمانی جهان که در مارس ۱۹۷۱ در ژاپن برگزار شد، نمونه دیگر استفاده از ابزار فرهنگی برای پیشبرد اهداف سیاسی است. با این برخورد غیرسیاسی، چین و ایالات متحده راهی برای دیدار در زمین بازی خارج از زمین بازی سیاسی یافتند تا گفتگو بین دو کشور را گسترش دهند. مائو تسه تونگ، اولین رئیس حزب کمونیست چین و اولین رهبر جمهوری خلق چین گفت: «توپ کوچک، توپ بزرگ را به حرکت درمی‌آورد.» حدود یک ماه پس از این رویداد ورزشی، اولین هیئت رسمی ایالات متحده آمریکا، از چین بازدید کرد. وزیر امور خارجه، هنری کیسینجر و سپس رئیس جمهور، ریچارد نیکسون، هر دو در سال ۱۹۷۲ از پکن بازدید کردند و بنابراین، یک توپ کوچک، به معرفی دوره جدیدی در روابط بین دو کشور کمک کرد (MacMillan, 1985: 179). دوره حکومت دنگ شیائوپینگ بر چین که به‌دنبال مرگ مائو در سال ۱۹۷۹ آغاز شد و تا زمان مرگ وی در سال ۱۹۹۷ ادامه داشت، آغاز دوره اصلاحات چین است که به‌عنوان سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی شناخته می‌شود. این اصلاحات، همان‌طور که توسط خود دنگ بیان شد، متمرکز بر ترویج چهار حوزه نوسازی متمرکز بود: کشاورزی، صنعت، علم و فناوری و به‌طور عمده شامل: باز کردن بازار چین برای حضور خارجی و کنار گذاشتن یا تغییر برخی از دیدگاه‌های کمونیستی چین و به‌ویژه پیامدهای آن‌ها بود. برای اقتصاد چین، نتایج دوره اصلاحات به‌زودی آشکار شد و اقتصاد چین با سرعتی بالا شروع به رشد کرد که تا سال ۲۰۱۰ به بیش از ۱۰ درصد رشد سالانه رسید (China, 2019).

در آغاز دهه ۲۰۰۰، رهبری چین در پرتو ثبات بازار داخلی، توجه خود را به بیرون معطوف کرد تا محصولات خود را بفروشد و ذخایر ارزی خود را برای خرید مواد اولیه تقویت کند. همان‌طور که گفته شد، در حوزه خاورمیانه که عمدتاً دارای منابع نفت و گاز طبیعی بودند، هم‌زمان با افزایش مصرف نفت چین، از ۲,۳ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۹۰، به بیش از ۱۳,۵ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۸ (CEIC, 2019). جای تعجب نیست که در آن سال‌ها، رهبری چین

به‌طور موازی شروع به توسعه روش‌های مدرن استفاده از ابزارهای قدرت نرم نیز کرد. هدف از توسعه این ابزارهای قدرت نرم در سرتاسر جهان، پشتیبانی از ادامه رشد اقتصادی، توانمندسازی و اتصال کشورهای چین با آن‌ها در این زمینه‌ها رابطه برقرار کرده است، به جنبه‌های فرهنگی بوده است. هدف اصلی نیز ارائه تصویری مثبت، غیرتهدیدآمیز و مهم‌تر از همه، یک چهره جذاب از یک قدرت در حال رشد با تأکید بر جنبه‌های نرم فرهنگی و اجتماعی بوده است؛ درحالی‌که توجه جهانی بیشتر بر جنبه‌های سیاسی و اقتصادی این قدرت نوظهور معطوف بود.

ما می‌توانیم در مورد روش‌هایی که رهبران مدرن چین نیاز به استفاده از قدرت نرم کشور خود را درک کرده‌اند را نیز از سخنان رؤسای جمهور فعلی و پیشین چین بیان کرده‌اند، درک کنیم. هو جینتاو، رئیس‌جمهور چین، از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳، در جریان سخنرانی اصلی خود در هفدهمین کنگره حزب کمونیست چین که اکتبر ۲۰۰۷ برگزار شد، گفت که ما باید استفاده از فرهنگ را در قدرت نرم کشورمان گسترش دهیم ... زیرا این امر در رقابت کلی بین کشورهای جهان، از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار است (Nye, 2009: 28). در سال ۲۰۱۷، رئیس‌جمهور، چین شی جین پینگ، گفت؛ ما باید قدرت نرم چین را افزایش دهیم، یک روایت خوب چینی ارائه دهیم و پیام چین را در سطح جهانی گسترش دهیم (Center, 2020).

مؤسسات کنفوسیوس

همان‌طور که گفته شد، رهبران چین برای حمایت از هدف چین، برای تبدیل شدن به یک کشور پیشرو و مرکزی در عرصه جهانی، نیاز به سرمایه‌گذاری در آموزش عالی را به‌عنوان ابزاری برای برنامه‌ریزی قدرت نرم چین تشخیص دادند. برای پیشبرد این هدف، Hanban در سال ۲۰۰۴، به‌عنوان یک سازمان غیرانتفاعی تأسیس شد. سازمانی که مسئول تأسیس و فعالیت مؤسسات کنفوسیوس در سراسر جهان است و تحت نظارت وزارت فرهنگ چین فعالیت می‌کند. در نوامبر همان سال، اولین مؤسسه در سئول کره جنوبی تأسیس شد. از سال ۲۰۰۴ تا فوریه ۲۰۲۰، تعداد ۵۴۱ مؤسسه در ۱۵۴ کشور فعالیت می‌کنند (Zhiling, 2018). اساسنامه مؤسسه کنفوسیوس، شامل اصول بنیادین زیر است:

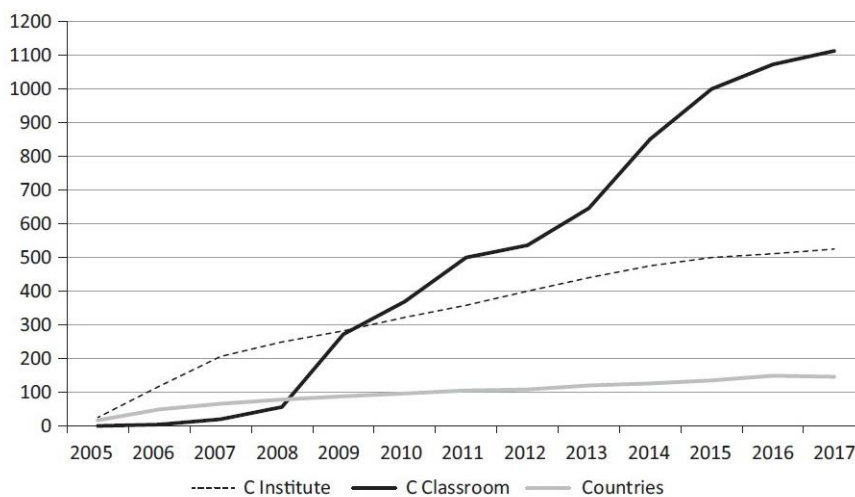
- مؤسسات کنفوسیوس، خود را وقف برآوردن خواسته‌های مردم از کشورها و مناطق مختلف جهان می‌کنند که زبان چینی را برای افزایش درک فرهنگ چینی توسط این مردمان، تقویت تبادل آموزشی، فرهنگی و همکاری بین چین و سایر کشورها، برای تعمیق روابط دوستانه با سایر ملل، ترویج توسعه چندفرهنگی و ساختن جهانی هماهنگ، یاد می‌گیرند.
- مؤسسات کنفوسیوس، مؤسسات آموزشی غیرانتفاعی هستند.
- مؤسسه کنفوسیوس، با رعایت اصول احترام متقابل، مذاکرات دوستانه و سود متقابل، آموزش زبان چینی را در خارج از کشور، توسعه و تسهیل خواهد کرد و تبادل آموزشی، فرهنگی و همکاری بین چین و سایر جوامع بین‌المللی را ترویج خواهد کرد.

■ مؤسسات کنفوسیوس، باید از قوانین و مقررات کشورهایی که در آن مستقر هستند، پیروی کنند، به سنت‌های فرهنگی، آموزشی، محلی و آداب و رسوم اجتماعی احترام بگذارند و نباید از قوانین و مقررات چین تخطی کنند.

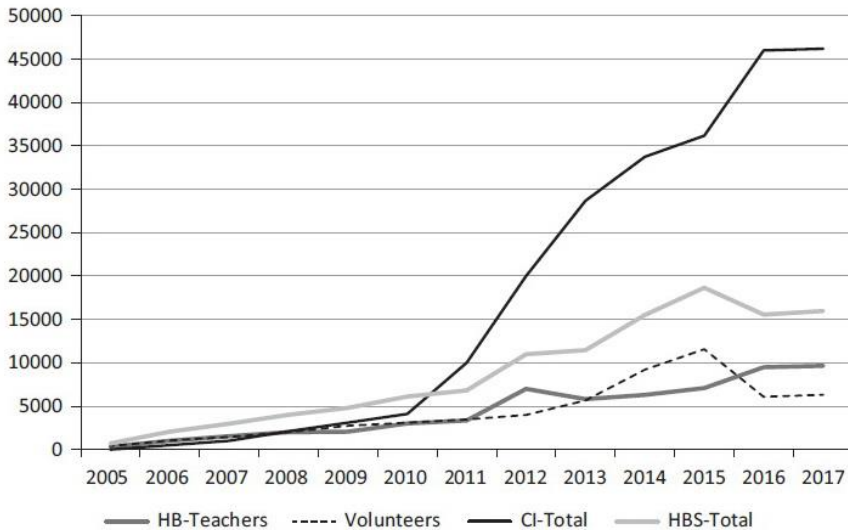
■ مؤسسات کنفوسیوس، نباید در هیچ فعالیتی شرکت کنند که با مأموریت‌های مؤسسه کنفوسیوس مطابقت ندارد.

■ هر نهاد شرکتی خارج از چین که قادر به تسهیل آموزش زبان، انجام فعالیت‌های تبادل آموزشی، فرهنگی و برآورده کردن شرایط لازم برای برنامه مندرج در این آیین‌نامه باشد، می‌تواند برای مجوز تأسیس مؤسسه کنفوسیوس از مقرر مؤسسه درخواست نمایندگی کند (Hanban).

طبق گزارش سالانه توسعه مؤسسات کنفوسیوس سال ۲۰۱۷، این برنامه برای رسیدن به حدود ۱۰۰۰ مؤسسه فعال تا سال ۲۰۲۰ طرح‌ریزی شده بود که البته تاکنون محقق نشده است. بر اساس این گزارش، مؤسسات کنفوسیوس ۴۶۲۰۰ معلم استخدام می‌کنند که ۱,۷ میلیون دانش‌آموز، در هر سن و ۶۲۱۰۰۰ دانش‌آموز دیگر در دوره‌های آنلاین ثبت‌نام می‌کنند. به‌طورمعمول، همکاری بین مؤسسات کنفوسیوس و یک دانشگاه خارجی، با حداقل حمایت سالانه ۱۰۰۰۰۰ دلار آغاز می‌شود که هر یک از طرفین متعهد می‌شوند، هزینه فعالیت مؤسسه را تأمین کنند؛ یعنی بودجه عملیاتی اولیه آن ۲۰۰۰۰۰ دلار هست (Albert, 2018). رشد مؤسسات کنفوسیوس، کلاس‌های درس از نظر تعداد آن‌ها، تعداد کشورهای درگیر، معلمان و داوطلبان در اشکال زیر نشان داده شده است (Li, 2019: 11,14):



شکل ۱: تعداد مؤسسات کنفوسیوس و کلاس‌های درس ۲۰۰۵-۲۰۱۷



شکل ۲: معلمان و داوطلبان در مؤسسات کنفوسیوس ۲۰۰۵-۲۰۱۷

به گفته لی چانگچون، عضو ارشد سابق کمیته دائمی دفتر سیاسی، مؤسسات کنفوسیوس، بخش مهمی از برنامه تبلیغات خارج از کشور چین هستند. چنین گزارش‌هایی، انگیزه‌های اصلی ایده تأسیس مؤسسات چینی در سراسر جهان را روشن می‌کند. اهداف اعلام شده مؤسسات کنفوسیوس، همان‌طور که در وبسایت‌های آن‌ها بیان شده است، ارائه دوره‌های زبان چینی در سطوح مختلف به دانشجویان و در برخی موارد نیز برای عموم مردم و فرصت رقابت برای بورسیه تحصیل در دانشگاه‌های چین است. علاوه بر این، این مؤسسات در همکاری‌ها و تعاملات فرهنگی چین؛ مانند جشن‌های سال نو چینی، جشنواره بهار و همچنین خوش‌نویسی و آموزش آشپزی نیز شرکت می‌کنند (Gil, 2019).

در بیشتر موارد، مؤسسات کنفوسیوس، به صورت ابتکاری مشترک بین یک دانشگاه چینی و یک دانشگاه محلی در داخل دانشگاه‌ها فعالیت می‌کنند. این روش، عملیاتی منحصر به فرد، عامل اصلی تمایز بین مؤسسه چینی و مؤسسات فرهنگی است که توسط کشورهای دیگر اداره می‌شود. این واقعیت که این مؤسسات در پردیس‌های دانشگاهی فعالیت می‌کنند، تمایز بین دانشگاه و مؤسسه چینی را در آنچه تصور می‌شود، یک تصمیم استراتژیک دولت چین برای نفوذ غیرمستقیم به دانشگاه‌ها است، از بین می‌برد. تمایز، بیشتر مربوط به محتوای ویژه‌ای است که به دانشجویان ارائه می‌شود و همچنین مباحثی که از آن‌ها اجتناب می‌شود. توافق استاندارد، بین Hanban و دانشگاه میزبان، این دانشگاه را ملزم می‌کند که سیاست چین را که به موجب آن، تایوان حق استقلال ندارد و بخشی از سرزمین اصلی چین است، بپذیرد. از بحث در مورد موضوعات مربوط به بحث حاکمیت تبت خودداری کند و از هر موضوعی که توسط رهبری چین به‌عنوان تضعیف ثبات، تعریف شده است، خودداری شود (Lai, 2012: 92-3).

باید یادآور شد که چینی‌ها تنها یا اولین کسانی نیستند که در کشورهای خارجی، مؤسسات فرهنگی را اداره می‌کنند. برخی از کشورها، چنین مؤسساتی را در کشورهایی که به آن‌ها «کشورهای منفعل» گفته می‌شود، اداره می‌کنند. هدف بیشتر این برنامه‌ها، ارائه تصویری مثبت و اغلب پالایش شده از کشور فعال نسبت به کشور منفعل است. در شاخص‌بندی قدرت‌های نرم ۲۰۱۸ که سالانه رتبه‌بندی سی کشور با قدرت نرم برتر را ارائه می‌دهد، انگلستان در رتبه اول قرار گرفت و پس از آن، فرانسه و آلمان قرار گرفتند (McClory, 2018). بنابراین، تعجب‌آور نیست که این سه کشور، چنین نهادهای فرهنگی را اداره کنند. در سال ۱۹۰۷، فرانسوی‌ها، «Alliance Francais» را تأسیس کردند. در ۱۹۳۴، انگلیسی‌ها، «شورای بریتیش» را تأسیس کردند و در سال ۱۹۵۱، تنها چند سال پس از پایان جنگ جهانی دوم، آلمانی‌ها، «انستیتوی گوته» را تأسیس کردند. به اندازه کافی جالب است که مدیر انستیتوی گوته آلمان، از سرعت سریع توسعه مؤسسات کنفوسیوس تمجید کرده و گفته است که دستاوردهای این مؤسسه چینی طی یک دهه، قابل مقایسه با کشورهای نامبرده اروپایی است که برخی از آن‌ها، دهه‌ها فعالیت داشته‌اند. وی افزود؛ دستاوردهای چین از طریق مؤسسات کنفوسیوس، یک معجزه فرهنگی است، به دنبال معجزه اقتصادی و مالی چین که قبلاً به یک واقعیت کاملاً ثابت شده، تبدیل شده بود (CRI, 2015).

شاخص بررسی موفقیت

در این مقاله، ما یک شاخص سه قسمتی را برای ارزیابی روش‌های پذیرش مؤسسات چینی در کشورهای خاورمیانه عربی پیشنهاد می‌کنیم. اولین معیار شاخص، شامل بررسی تقاضا و عرضه است، بخش دوم؛ میزان واکنش رسانه‌ها و رهبری محلی را ارزیابی می‌کند و سومین معیار، سطوح شناسایی مشتریان مؤسسه‌ها، اغلب دانشجویان با مقادیری که مؤسسه ترویج و نمایندگی می‌کند. به همین ترتیب، برای هر محصول یا خدماتی که در بازار فروخته می‌شود، روش اصلی، بررسی موفقیت یا عدم موفقیت محصول، بررسی تقاضای مشتریان برای محصول یا خدمات است و اگر تقاضا بیش از عرضه باشد، می‌توان نتیجه گرفت که محصول موفق است. محصول، در مورد پژوهش ما، مؤسسه کنفوسیوس و محتویاتی است که ارائه می‌دهد و مشتریان آن، دانشجویان میزبان دانشگاه‌های عربی هستند. بر اساس این تحلیل، داده‌هایی که بعداً در مقاله ارائه می‌شود، در کلیت خاورمیانه عربی که مؤسسه‌های کنفوسیوس در آن‌ها فعالیت می‌کنند، تقاضا برای خدمات مؤسسه از عرضه بیشتر است و در واقع، از سال ۲۰۱۴، کلاس‌های چینی بیشتری در دانشگاه‌های میزبان و همچنین در مؤسسات آموزشی دیگر در همان کشورها افتتاح شده است. دومین معیار شاخص مورد استفاده برای بررسی پاسخ به مؤسسات، گستره و میزان پوششی است که از رسانه‌های محلی و دیگر شخصیت‌های مرکزی ملی به مؤسسات داده شده است. بر اساس نتایج این تحلیل، از اقدامات نیز می‌توان نتیجه گرفت که نفوذ مؤسسات چینی در کشورهای

میزبان موفقیت‌آمیز بوده است. این نتیجه‌گیری، بر اساس بسیاری از مقالات و یادداشت‌های مطلوب منتشر شده در مطبوعات محلی است که گزارش می‌دهد و حتی کوچک‌ترین جزئیات کار مؤسسه را پوشش می‌دهد؛ مانند تعداد دانش‌آموزانی که در مسابقه مهارت زبان چینی شرکت کرده‌اند و یا موارد دیگر. در این گزارش‌ها، رسانه‌های محلی، علاقه شدیدی به کار مؤسسه‌ها ابراز کردند که ممکن است به نفوذ موفقیت‌آمیز آن‌ها در آگاهی محلی اشاره کند. ساده‌ترین راه برای ارزیابی رویکرد نهادهای ملی مرکزی نسبت به مؤسسات، بررسی شرکت یا عدم حضور آن‌ها در مراسم و همایش‌های برگزار شده توسط مؤسسه است. در اینجا و همان‌طور که از این پس در مقاله توضیح داده خواهد شد، دریافتیم که مؤسسات، توجه گسترده‌ای را به خود جلب می‌کنند. در واقع، بیشتر مراسم افتتاحیه مؤسسات تازه افتتاح شده یا سایر رویدادها، با حضور ارشدترین مدیران دانشگاه میزبان در کنار سیاستمداران ارشد و شخصیت‌های عمومی برگزار می‌شود و هریک از این رویدادها، توسط رسانه‌ها و اغلب به‌طور گسترده پوشش داده می‌شود. سومین معیار شاخص برای ارزیابی موفقیت مؤسسات کنفوسیوس که در خاورمیانه عربی فعالیت می‌کنند، میزان شناسایی مشتریان؛ یعنی دانشجویان با محصول به‌خصوص ارزش‌های مؤسسات و مطالبی است که ارائه می‌دهند. در این اقدام نیز مؤسسات در ایجاد گفتمان مثبت در بین دانشجویان خود و سایر گروه‌ها در رابطه با مطالعه زبان و فرهنگ چینی موفق بوده‌اند. بسیاری از افرادی که در این مقاله از آن‌ها نقل قول شده است، از مزایای یادگیری زبان چینی به دلایل تجاری و مالی صحبت می‌کنند. پس تعجب‌آور نیست که بیشتر افرادی که به یادگیری زبان چینی علاقه دارند، به این دلایل به‌عنوان مثال؛ بجای اهداف دیپلماتیک یا تحقیقاتی، این کار را انجام می‌دهند. این امر، با این واقعیت پشتیبانی می‌شود که خود مؤسسات، روایتی را ترویج می‌کنند که به‌وسیله آن، پیوند دهنده روابط بین چین و کشورهای میزبان، مبتنی بر روابط اقتصادی، بازرگانی و بر اساس سود متقابل است که در نتیجه حاصل می‌شود.

مؤسسات کنفوسیوس در خاورمیانه عربی

خاورمیانه عربی، به لحاظ ساخت سیاسی - فرهنگی، جزئی از منطقه خاورمیانه و به‌لحاظ زبانی، جزو دنیای عرب است و از شمال، به ترکیه، قبرس و دریای مدیترانه، از جنوب به اقیانوس هند، از شرق به ایران و از غرب، به قاره آفریقا محدود می‌شود. این گستره جغرافیایی، با مساحت بیش از ۶ میلیون کیلومتر مربع، چهارده واحد سیاسی مستقل؛ شامل کشورهای اردن، امارات متحده عربی، بحرین، سودان، سوریه، عراق، عمان، فلسطین، قطر، کویت، لبنان، یمن و تا حدی کشورهای شمال آفریقا را دربرمی‌گیرد. سودان، بزرگ‌ترین کشور و بحرین، کوچک‌ترین کشور در این واحد جغرافیایی‌اند. همه کشورهای خاورمیانه عربی، بجز مصر و سودان، در آسیا واقع شده‌اند؛ ولی دارای پیوندهای محکم با جهان ارو- مدیترانه و جهان آفرو- اقیانوس هند هستند.

همه این کشورها، جزو کشورهای اسلامی محسوب می‌شوند و همگی از نظر سیاسی و اقتصادی، تحت تأثیر نزدیکی به اروپا و کشورهای غربی‌اند (علی‌پور، ۱۳۸۹: ۹۰). عبارت «جستجوی دانش حتی در چین» که به حضرت محمد (ص) نسبت داده شده است، ظاهراً اولین متن نوشتاری است که چین و جهان عرب را بهم پیوند می‌دهد. امروزه، رهبران عرب از این اصطلاحات برای تقویت روابط خود و مردمشان با فرهنگ چین استفاده می‌کنند که مؤسسات کنفوسیوس، برجسته‌ترین نمایندگان در عرصه جهانی هستند. به موازات این امر، طرف چینی، از این نقل قول برای جلب توجه مسلمانان استفاده می‌کند. به‌عنوان مثال؛ این جمله در نسخه منتشرشده توسط خبرگزاری چین، دولت شین هوا نقل شده است و به‌دنبال آن، گزارشی در مورد تعمیق روابط بین چین و جهان عرب، با اشاره به این که عرب‌ها می‌خواهند دانش خود را در مورد چین گسترش دهند و تقاضا برای مطالعات زبان و فرهنگ چینی به‌طور مداوم رشد می‌کند. همچنین گزارشی از مؤسسات کنفوسیوس که در کشورهای عربی فعالیت می‌کنند، ارائه می‌دهد و بیان می‌دارد که تاکنون بیش از بیست هزار دانشجوی عرب، در این مؤسسات آموزش دیده‌اند (Xinhua, 2018).

در سال ۲۰۰۶، اولین مؤسسه کنفوسیوس در جهان عرب، در دانشگاه سنت جوزف بیروت تأسیس شد. از آن زمان و تا پایان دسامبر ۲۰۱۹، چهارده مؤسسه دیگر در کشورهای مختلف خاورمیانه عربی؛ شامل بحرین، سودان، تونس، دو موسسه در اردن، دو مؤسسه در امارات متحده عربی، دو مؤسسه در مصر و سه مؤسسه در مراکش تأسیس شد. همچنین مؤسساتی در سایر کشورهای منطقه تأسیس شدند که دو مورد از آن‌ها در اسرائیل، چهار مورد آن‌ها در ترکیه و دیگری در ایران است. با این حال، مقاله حاضر بر کشورهای عرب‌زبان متمرکز است؛ زیرا این کشورها دارای ویژگی‌های مشترکی هستند که سایر کشورهای منطقه مشترک ندارند. علاوه بر این، سایر کشورهای عرب‌زبان همچون عربستان سعودی، به‌تازگی همکاری خود را برای تأسیس مؤسسه آغاز کرده‌است (ChinaDaily, 2020) یا این که مذاکراتی را برای تأسیس مؤسسات کنفوسیوس در دانشگاه‌های خود انجام داده‌اند؛ اما همان‌طور که گفته شد، در این مقاله تنها مؤسساتی که قبلاً تأسیس شده‌اند را بحث می‌کنند. در بخش بعدی، ما کار مؤسسات کنفوسیوس فعال در جهان عرب را مرور می‌کنیم و واکنش به حضور آن‌ها را تجزیه و تحلیل می‌کنیم.

لبنان

همان‌گونه که بیان شد، اولین مؤسسه کنفوسیوس در جهان عرب، در اکتبر ۲۰۰۶ در دانشگاه سنت جوزف بیروت، تحت عنوان یک همکاری مشترک بین دانشگاه لبنان و دانشگاه سین‌کیانگ چین تأسیس شد. معاون رئیس دانشگاه لبنان، نیاز به تأسیس این مؤسسه چینی را به این صورت شرح داد که به‌طور سنتی، محققان و دانشجویان ما تمایل دارند، مناطق مطالعاتی و تحقیقاتی مربوط به فرانسه، انگلیس، آلمان و ایالات متحده را انتخاب کنند. غیرمنطقی است که امروزه ما به

چین اهمیت نمی‌دهیم در حالی که به سرعت در حال تبدیل شدن به یک حضور جهانی پیشرو است (Fu, 2009). طی سه سال، این مؤسسه به ۲۱۳ دانشجو در سه سطح مختلف دوره‌های زبان چینی آموزش می‌داد. مؤسسه کنفوسیوس لبنان، کلاس‌هایی را در طب چینی توسط یک پزشک لبنانی برگزار کرد که در دانشگاه پزشکی پکن تحصیل کرده بود، تدریس می‌شد. در جشن سال دهم این مؤسسه، عدنان کسار، رئیس بانک لبنانی، Fransabank اظهار داشت؛ این واقعیت که از هر شش نفر در جهان، یکی به زبان چینی صحبت می‌کند، به خوبی نشان می‌دهد که چرا این اندازه اهمیت دارد، این زبان را مطالعه کنید و با این افراد شگفت‌انگیز آشنا شوید (Xinhua, 2016).

به گفته آنتوان هاکیم، رئیس مؤسسه، در سال ۲۰۱۳، این مؤسسه از نظر فعالیت‌های فرهنگی در دسترس عموم، در بین ده مؤسسه برجسته کنفوسیوس جهان قرار گرفت. وی همچنین خاطرنشان کرد که نه تنها دانشجویان دانشگاه، برای یادگیری زبان چینی اقدام می‌کنند، والدین کودکان ۵ تا ۷ ساله نیز مراجعه می‌کنند و می‌خواهند فرزندان خود را در آنچه آن‌ها زبان آینده می‌دانند، مهیا کنند. وی همچنین اضافه کرد؛ دوره‌های زبان چینی، اشخاص فعال در عرصه تجاری و شرکت‌هایی را که مایل به ارائه دوره‌های فشرده چینی به کارگران خود هستند را نیز جذب می‌کند و امیدوارند که این افراد، دانش اولیه زبان را کسب کنند که به نوبه خود، به آن‌ها در انجام تجارت در چین کمک می‌کند (Fadel, 2014). نکته جالب دیگر این واقعیت است که چینی‌ها تصمیم گرفتند، اولین دانشگاه عربی را که در آن یک مؤسسه تأسیس شده است را در ارتباط با یک دانشگاه چینی در منطقه‌ای در چین واقع کنند که بیشترین جمعیت مسلمان این کشور را در خود جای داده است. این شاید بتواند به آرزوی چین برای کنترل ارتباط بین مسلمانان مقیم چین و دوستانشان در کشورهای عربی رهنمون کند. تأسیس این مؤسسه و ارتباط آن با یک دانشگاه چینی واقع در یک منطقه، اغلب مسلمان‌نشین در چین، به چینی این امکان را می‌دهد که گفتمان بین دو طرف را با سهولت بیشتری کنترل کند و آن را به سمت موضوعاتی که برای حکومت چین مناسب‌تر است، هدایت کند.

مصر

دو مؤسسه کنفوسیوس در مصر تأسیس شدند. یکی در مارس ۲۰۰۷ در دانشگاه قاهره و دیگری در ژوئیه همان سال در دانشگاه کانال سوئز با همکاری دانشگاه زبان و فرهنگ پکن راه‌اندازی شد. از آن زمان، در موارد مختلفی در مورد تأسیس مؤسسات دیگری در مصر، مذاکره انجام شده است؛ اما هنوز نتایج واقعی بدست نیامده است (أبو العز، ۲۰۱۸). چهار سال پس از تأسیس، مؤسسه دانشگاه کانال سوئز، در میان بیست انستیتوی برتر کنفوسیوس در جهان و بهترین در خاورمیانه قرار گرفت. محمد احمد، رئیس دانشگاه کانال سوئز، در یک کنفرانس مطبوعاتی که در هفتمین کنفرانس سالانه مؤسسات کنفوسیوس در پکن برگزار شد، ابراز خرسندی و تشکر کرد. وی با تمجید از همکاری مصر و چین، گزارش داد که حدود چهل مؤسسه دانشگاهی در

مصر با همتایان چینی خود ارتباط دارند. وی از نقش مهمی که مؤسسات کنفوسیوس در تقویت روابط متقابل بین دو کشور بازی کرده به نیکی یاد کرد و یادآور شد که آن‌ها به‌عنوان پلی برای اتصال دو ملت عمل می‌کنند. در طی همان کنفرانس مطبوعاتی، احمد سلیم، مشاور رسانه‌ای مصر گفت؛ امروز مصر به حمایت و همکاری دوستانش در سراسر جهان و به‌ویژه چین احتیاج دارد. دلیل اصلی آن، نحوه مثبت درک مصری‌ها از چینی‌ها است (أش، ۲۰۱۲).

در دسامبر ۲۰۱۶ اعلام شد که مؤسسه کنفوسیوس در دانشگاه قاهره، همچنین دانشجویانی را جذب می‌کنند که حوزه تحصیلی آن‌ها ارتباط مستقیمی با زبان یا فرهنگ چینی ندارد. گزارش با اطلاعیه‌ای همراه بود که به‌موجب آن، انتظار می‌رود شعب دیگری از این مؤسسه در سراسر مصر افتتاح شود. رهاب محمود، مدیر انستیتوی کنفوسیوس و گروه مطالعات زبان چینی در دانشگاه قاهره گفت که دانشجویان از تمام رشته‌های تحصیلی، مایل به تحصیل زبان چینی برای پیشرفت حرفه‌ای خود هستند (Angop, 2016).

در مارس ۲۰۱۷، تفاهم‌نامه‌ای بین مؤسسه کنفوسیوس در دانشگاه کانال سوئز و دانشگاه بریتانیا در مصر، در مورد ایجاد واحد آموزش زبان چینی در این دانشگاه امضا شد. به گفته رؤسای هر دو دانشگاه، این مرحله برای این بود که دانشجویان بیشتری بتوانند دانش خود را به زبان چینی کسب کنند و حتی برای بورس تحصیلی، برای تحصیل در زبان خود در چین اقدام کنند (Zayed, 2017). در نوامبر همان سال، ظاهراً به‌دلیل کمبود رده‌های موجود، قرارداد مشابهی بین مؤسسه کنفوسیوس در دانشگاه قاهره و دانشگاه بنها امضا شد. انستیتوی کنفوسیوس دانشگاه کانال سوئز، شعبات دیگری را در منطقه اقتصادی و تجاری TEDA Suez چین، مصر و در دانشگاه هلووان افتتاح کرد. در هشتمین کنفرانس سالانه مؤسسه کنفوسیوس که در سال ۲۰۱۶ در پکن برگزار شد، از مؤسسه کنفوسیوس دانشگاه قاهره، به‌خاطر این که دانشجویانش، بالاترین معدل را در آزمون رسمی مهارت چینی برای افراد غیربومی کسب کردند، تقدیر شد. مؤسسه کنفوسیوس دانشگاه کانال سوئز نیز نتایج بسیار خوبی کسب کرد و به مقام سوم در بالاترین تعداد بورسیه‌ها نائل شد و ۸۶ نفر از دانشجویان این مؤسسه، بورس تحصیلی دولت چین را دریافت کردند (Al-Saadani, 2017).

در آوریل ۲۰۱۸، در مراسمی با حضور وزیر آموزش و علوم چین، سفیر چین در مصر و دیگر مقامات ارشد هر دو طرف، ساختمان جدید مؤسسه کنفوسیوس در دانشگاه قاهره افتتاح شد. این واقعیت که یک ساختمان اختصاصی با سرمایه‌گذاری قابل توجه مالی برای این مؤسسه ساخته شده است، خود بیانگر آرزوهای بالای تداوم و اعتقاد به ارزش و اهمیت مکان است. علاوه بر این، سخنرانی‌های ارائه شده در هنگام مراسم تحلیف نیز بیانگر همان نگرش‌های مثبت مصر نسبت به مؤسسه چینی بود. هالد عبدالجعفر، وزیر آموزش و علوم مصر، با بیان این که افتتاح ساختمان جدید، نمونه‌ای از همکاری مثبت و مثمر ثمر بین مصر و چین است، افزود: این

آغاز دوره جدیدی در روابط دو کشور است و او امیدوار است که در آینده این همکاری، به بسیاری از مناطق دیگر نیز گسترش یابد (Saad, 2018).

اردن

دو مؤسسه کنفوسیوس در اردن تأسیس شدند: اولین مؤسسه، در سازمان جهانی طلال ابو غزاله در سپتامبر ۲۰۰۸ و دیگری در اکتبر ۲۰۱۲ در دانشگاه فیلادلفیا امان. مؤسسه موازی چینی، سازمان طلال ابو غزاله در دانشگاه سین کیانگ و مؤسسه دانشگاه فیلادلفیا در دانشگاه لیائوچنگ تأسیس شده است. مؤسسه سوم تأسیس شده در اردن، متعلق به ارتش اردن است و هدف آن، مطالعه زبان و فرهنگ چینی است که به طور غیرمستقیم به مؤسسات کنفوسیوس وابسته است؛ اما ویژگی‌های مختلفی دارد و بنابراین در تحلیل فعلی گنجانده نشده است (Al-Ma'amah, 2010).

رویکرد اردن نسبت به مؤسسات، همان‌طور که در رسانه‌های داخلی بیان شده است، مثبت است و به طور گسترده‌ای با این انتظار که تحصیل زبان و فرهنگ چینی، راهی برای فرصت‌های جدید دانش‌آموزان اردنی برای موفقیت مالی و نه لزوماً موارد دیپلماتیک که در ارتباطات خود با چین فراهم می‌کند، پیوند دارد. حمایت از این امر را می‌توان از زبان دانشجویان یافت که اظهار داشتند؛ تحصیل زبان چینی، فرصت‌های شغلی بهتر را در آینده تضمین می‌کند (Earth Speaks Chinese, 2011). به طور مشابه با سایر کشورها، در اردن نیز مقامات چینی تصمیم گرفتند، دانشگاه‌های محلی را با دانشگاه‌های چینی واقع در مناطقی که توسط اقلیت مسلمان چین زندگی می‌کنند، متصل کنند.

در اکتبر ۲۰۱۶، کمیته رؤسای دانشگاه‌ها، از کشورهای عربی و چین در پایتخت اردن تشکیل جلسه داد. در این جلسه، شرکت‌کنندگان در مورد طیف وسیعی از اقدامات ممکن در راه تقویت روابط بین دو کشور؛ از جمله گسترش برنامه‌های بورسیه تحصیلی ارائه شده توسط چین به دانشجویان کشورهای عربی و تشویق دانشجویان و برنامه تبادل دانشگاهی بین دو کشور گفتگو کردند. پیشنهاد دیگر، تقویت و گسترش حضور مؤسسات کنفوسیوس در منطقه و تأسیس مراکز یادگیری عربی در دانشگاه‌های چین بود (Addustour, 2016).

رئیس دانشگاه، معتضد شیخ سالم، در سخنرانی خود طی مراسم سال نو چینی که توسط مؤسسه کنفوسیوس در دانشگاه فیلادلفیا در امان در ژانویه ۲۰۱۸ برگزار شد، گفت: «این دانشگاه، مشتاق همکاری با دانشگاه‌های چین و کسب اطلاعات بیشتر در مورد فرهنگ غنی چینی است. وی همچنین خاطر نشان کرد: بسیاری از دانشجویان اردنی، مشتاق یادگیری زبان چینی هستند.» به گفته وی، اثبات ادعایش همین شرکت گسترده آن‌ها در جشن‌های سال نو چینی و علاقه آن‌ها به درک معنای این رویداد خاص است. وی افزود: «مطالعه زبان چینی، ضمن استفاده از فرصت

یادگیری از تجربیات مالی و علمی پیشرفته چین، گام مهمی در تقویت روابط بین دو کشور است.» (Addustour, 2018).
در مراسمی در اکتبر ۲۰۱۸، به مناسبت تمدید توافق‌نامه بین سازمان جهانی طلال ابوغزاله و دانشگاه موازی آن در چین، رئیس گروه، اعتقاد خود را به طرح برجسته رئیس‌جمهور چین؛ یعنی ابتکار عمل یک کمربند یک جاده و تمایل این گروه را برای ایجاد مرکزی در همین خصوص ابراز داشت (Addustour, 2017). منحصر به فرد بودن این پرونده و به‌طور کلی این مؤسسه این است که در داخل دانشگاه فعالیت نمی‌کند؛ بلکه به‌عنوان بخشی از یک گروه هلدینگ است که در بیش از ۱۱۰ کشور در سراسر جهان؛ از جمله کشورهای عربی، آفریقا، اروپا، آسیا و آمریکای شمالی فعالیت می‌کند. بنابراین، این پرونده آمیخته‌ای ذاتی بین اهداف اشاعه زبان و فرهنگ چینی و منافع تجاری است و بر اساس سخنان رئیس گروه و آرزوی آشکار وی برای ادامه همکاری، به نظر می‌رسد که منافع کاملاً موازی و متقابل هستند.

مراکش

در مراکش، سه مؤسسه کنفوسیوس تأسیس شده‌اند. اولین بار در مارس ۲۰۰۸، در دانشگاه محمد پنجم؛ دیگری در مه ۲۰۱۲ در دانشگاه حسن دوم کازابلانکا و سومین دانشگاه در دانشگاه عبدالملک اسآدی در سپتامبر ۲۰۱۶. دانشگاه موازی چین با دانشگاه حسن دوم، دانشگاه مطالعات بین‌المللی پکن و دانشگاه موازی چین با دانشگاه عبدالملک اسآدی، دانشگاه علم و صنعت جیانگشی است (Daily, 2012). مؤسسات دوم و سوم، در این کشور زمانی تأسیس شدند که مؤسسه اول دیگر نبود قادر به پذیرش تقاضای دانشجویان محلی برای مطالعات زبان چینی باشند. تا قبل از افتتاح دو مؤسسه دیگر، مؤسسه دانشگاه محمد پنجم، تنها مکانی در مراکش بود که تحصیلات رسمی و ساختاری زبان چینی را ارائه می‌داد و همچنین امکان شرکت در آزمون‌های HSK را به‌طور رسمی فراهم می‌کرد.

مسابقه پل چین، مسابقه‌ای بین‌المللی است که هر ساله یک‌بار در بین دانشجویان غیربومی زبان چینی در سطح ملی برگزار می‌شود و برنده از هر کشور، به مسابقات بین‌المللی که در پایتخت چین برگزار می‌شود، اعزام می‌شود. شرکت‌کنندگان، بر اساس توانایی بیان در زبان ماندارین و سطح مهارت در فرهنگ چینی درجه‌بندی می‌شوند. در سال ۲۰۱۶، دانشجویی از دانشگاه محمد پنجم مراکش، مقام سوم مسابقات جهانی را بدست آورد و سال بعد، دانشجویی از دانشگاه حسن دوم، نیز به همین جایزه دست یافت. همانند سایر مؤسسات، مؤسسات کنفوسیوس در مراکش، علاوه بر مطالعات زبان، دوره‌ها و رویدادهای فرهنگی را نیز با موضوعات مختلف؛ مانند هنر چینی، خوشنویسی، آشپزی و غیره برگزار می‌کنند. این مؤسسه در دانشگاه حسن دوم، همچنین خدمات مشاوره‌ای و اطلاعاتی در زمینه سیاست، اقتصاد و فرهنگ چین به ارگان‌های دولتی و نهادهای عمومی محلی و همچنین دانشجویان مراکشی علاقه‌مند به سفر و تحصیل در چین ارائه

می‌دهد. این خدمات که در سایر مؤسسات منطقه ارائه نمی‌شود، بدون شک نشان دهنده وضعیت مرکزی است که مقامات رسمی کشوری که در آن فعالیت می‌کند، به این مؤسسه اعطا کرده‌اند. به‌طور مشابه با مدل مصری، دانشگاه محمد پنجم، شعبه‌های مؤسسه خود را در دانشگاه‌های دیگر؛ از جمله دانشگاه ابن‌ظهر، دانشگاه ابن‌توفال و بنیاد ESSEC فرانسه نیز فعالیت می‌کند (Hui, 2018). درحقیقت، این شاخه‌بندی همچنین می‌تواند به تقاضای زیاد دانشجویان مراکشی، برای مطالعات زبان چینی و همچنین به درک مؤسسات میزبان، از اهمیت سرمایه‌گذاری در این زمینه اشاره کند.

سودان

مؤسسه کنفوسیوس سودان، در اکتبر ۲۰۰۸ در دانشگاه خارطوم، با همکاری دانشگاه نورث وست شروع به کار کرد. مؤسسه سودان، نه تنها به مردم سودان، بلکه به دانشجویان از حدود بیست ملیت دیگر (بیشتر از آفریقا) خدمات ارائه می‌دهد. به گفته بدوی عبدالله، رئیس مطالعات زبان چینی در این مؤسسه، برنامه‌های آینده‌ای برای ساخت یک ساختمان جدید در پردیس وجود دارد که از تقاضای فزاینده مطالعات زبان چینی پشتیبانی می‌کند. وی، تحصیلات انگلیسی خود را برای زبان چینی انجام می‌دهد؛ زیرا معتقد است که به‌عنوان یک شهروند سودانی، این زبان در آینده بهتر از انگلیسی به او خدمت خواهد کرد. یکی دیگر از دانشجویان، محمود عابد الفتاح، ماهانه یک‌بار برای خرید دستگاه‌های الکترونیکی و فروش در بازار سودان، به شهر بیوو چین (یکی از بزرگ‌ترین بازارهای عمده‌فروشی جهان) سفر می‌کند. وی توضیح داد که برای بهبود و ایجاد روابط تجاری بیشتر در چین، در حال یادگیری زبان چینی است (Wanglast, 2016).

نشانه دیگری از تحول مثبت این مؤسسه این است که در پایان سال ۲۰۱۵، تأیید مجوز افتتاح دوره‌های زبان چینی، در دو دبیرستان در خارطوم را بدست آورد و مذاکرات برای افتتاح شعب دیگر در سایر دانشگاه‌های کشور آغاز شده است. سرانجام این واقعیت که ۱۳۷ دانشجوی سودانی از دولت چین برای تحصیل چینی در دانشگاه‌های مختلف در سراسر چین بورسیه شده‌اند و اخبار صفحه اول این رویداد، در رسانه‌های محلی حاکی از نگرش مثبت نسبت به مؤسسات و عطش آن‌ها برای توجه و سرمایه‌گذاری چین است (Alnilin, 2018).

امارات متحده عربی

اولین مؤسسه کنفوسیوس امارات متحده عربی، در دانشگاه ابوظبی در ژوئن ۲۰۱۰ تأسیس شد و مؤسسه دوم در دانشگاه زاید ابوظبی، در ژوئیه همان سال تأسیس شد. دانشگاه موازی چین با دانشگاه ابوظبی، دانشگاه نینگشیا که در یکی از شهرهای مسلمان‌نشین چین واقع شده است و دانشگاه موازی با دانشگاه زاید، دانشگاه مطالعات بین‌المللی پکن است. به گفته مدیر مؤسسه کنفوسیوس در دانشگاه زاید، به‌طور مشابه با وضعیت سایر کشورهای عربی، مؤسسه

دانشگاه زاید در امارات متحده عربی گسترش یافته است و شعبات خود را در دانشگاه برایتون ابوظبی تشکیل داده و قصد دارد به فعالیت‌های خود ادامه دهد (Libo-on, 2011). مراسم تحلیف این مؤسسه در دانشگاه زاید مورد توجه گسترده قرار گرفت و وزیر آموزش و علوم، رئیس دانشگاه و سایر مقامات در آن شرکت کردند.

در افتتاحیه هفته فرهنگ چین در مارس ۲۰۱۲، مدیر مؤسسه، هامام لشین، اظهار داشت: به‌عنوان اولین مؤسسه کنفوسیوس که در یکی از کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس تأسیس شده است، ما افتخار پل زدن بین این دو فرهنگ قابل احترام را داریم. ما اعتقاد داریم که هنر، آواز و رقص و فرهنگ چینی، به گرمی توسط شهروندان امارات متحده عربی پذیرفته خواهد شد. رئیس دانشگاه افزود که وی معتقد است: این مهم است که وقتی با یک کشور خارجی ارتباط تجاری وجود داشته باشد، مؤسساتی که هر یک از طرفین را در معرض تبادل فرهنگ طرف دیگر قرار می‌دهند نیز به‌طور موازی ایجاد شوند. به‌همین دلیل ما معتقد هستیم، اکنون زمان مناسب افتتاح مؤسسه است. وی افزود: علی‌رغم این که این مؤسسه به‌تازگی شروع به کار کرده است، تقاضا برای مطالعات زبان چینی بسیار زیاد است (Moussly, 2010).

به‌طور مشابه با سایر کشورهای منطقه، ۲۶ دانش‌آموز که در دبیرستانی تحت نظارت مؤسسه کنفوسیوس در دانشگاه زاید تحت آموزش چینی تحصیل می‌کردند، در مسابقه پل چینی نیز شرکت کردند و برنده، در فینالی که در چین برگزار شد، حضور یافت (Kader, 2018). شباهت بیشتر بین مؤسسات امارات متحده عربی و مؤسسات دیگر در جهان عرب، این واقعیت است که یکی از آن‌ها نیز به یک دانشگاه چینی واقع در یک منطقه عمدتاً مسلمان چین متصل است. همان‌طور که گفته شد؛ روابط بین مؤسسات مستقر در مناطق مسلمان‌نشین در چین و کشورهای مسلمان را می‌توان به‌عنوان روش چین برای کنترل گفتمان بین طرفین و هدایت آن به کانال‌های قابل قبول و مورد رضایت حکومت پکن تفسیر کرد.

از سوی دیگر، خدمات منحصر به فرد ارائه شده توسط مؤسسات در امارات، ارائه دوره‌های چینی با توجه به نیازهای افسران پلیس محلی هست. این کلاس‌ها، نیاز مجریان قانون محلی برای برقراری ارتباط با جامعه بزرگ چینی در این کشور را که تعداد آن‌ها بیش از ۲۰۰۰۰۰ نفر است و همچنین مشکل مجریان قانون برای تعامل با آن‌ها، به دلیل موانع زبان را نیز برطرف می‌کند (Swan, 2012).

بحرین

در سپتامبر ۲۰۱۳، مؤسسه کنفوسیوس در دانشگاه بحرین، به‌دنبال امضای تفاهم‌نامه‌ای در مورد این موضوع که یک سال قبل هنگام سفر پادشاه بحرین به چین منعقد شده بود، افتتاح شد و دانشگاه شانگهای نیز به‌عنوان دانشگاه موازی چین انتخاب شد؛ درحالی‌که این دانشگاه در منطقه‌ای که مسلمانان چینی زندگی می‌کنند، واقع نشده است؛ اما گروه قابل توجهی از دانشجویان

از کشورهای مسلمان دارد و برنامه‌های اختصاصی را به آن‌ها ارائه می‌دهد. در مراسم تحلیف این مؤسسه، وزیر تعلیم و تربیت بحرین، ابراز داشت که دو منفعت اصلی، منجر به تأسیس مؤسسه شد: اولین آن، اهمیت زبان چینی است که چین، در میان فرهنگ‌های باستانی جهان است قرار دارد و زبان چینی، یکی از شش زبان رسمی سازمان ملل است. به گفته وزیر، منفعت دوم اهمیت چین به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین قدرت‌های جهان، دومین قدرت مالی بزرگ در جهان و بزرگ‌ترین صادرکننده جهان است (Al-Majed, 2014). این مؤسسه در بحرین همچنین مورد توجه گسترده رسانه‌های ملی قرار گرفت. به‌عنوان مثال؛ در یک مقاله به ویژگی‌های ۴۰ دانشجویی که تحصیلات خود را در این مؤسسه به پایان رسانده‌اند، همراه با عکس‌های مراسم فارغ‌التحصیلی خود اشاره کرده است (GDN, 2018).

در ماه مه ۲۰۱۶، این مؤسسه، هفته فرهنگ چین را جشن گرفت که هدف آن، ارتقای مبادلات فرهنگی بین دو کشور است. رئیس دانشگاه بحرین، در مراسم افتتاحیه گفت؛ این دانشگاه خوشحال است که دانشجویان آن، به زبان چینی تبحر دارند؛ زیرا از نظر سیاسی و مالی، یکی از مهم‌ترین زبان‌های جهان است (Al-Wasat, 2017). علاوه بر این، چین دارای میراث فرهنگی غنی است. همه این‌ها، دانشجویان بحرینی را به علاقه ویژه‌ای برای مطالعه در مورد آن سوق داده است.

علاوه بر این، در یک رویداد مشابه که سال بعد برگزار شد، رئیس دانشگاه گفت که این دانشگاه قصد دارد، حضور گسترده فعالیت‌های فرهنگی چینی را با هدف افزایش دانش و زمینه فرهنگی دانشجویان در مورد این موضوع تضمین کند (Al-Ayam, 2017).

تونس

تأسیس مؤسسه کنفوسیوس، مستقر در دانشگاه کارتاژ در نوامبر ۲۰۱۸، با همکاری دانشگاه زبان‌های خارجی دالیان که محل زندگی اقلیت مسلمان‌نشین نیز هست، انجام شد. رئیس دانشگاه، در رابطه با تأسیس این مؤسسه گفت: «ما سال‌هاست که روی این پروژه بزرگ کار می‌کنیم و این نتیجه همکاری ما با چین به‌عنوان یک شریک ویژه برای ما است. وی افزود: ایجاد افق‌های جدید، مهم است. همکاری ما با چینی‌ها، بسیار موفقیت‌آمیز است و این مؤسسه به تقویت همکاری‌ها در زمینه‌های آموزش زبان و تحقیق و پروژه‌های آموزشی بیشتر کمک خواهد کرد.» (Yi, 2018). تقریباً هیچ نکته برجسته دیگری در ارتباط با این مؤسسه یافت نشد؛ زیرا این مؤسسه به‌تازگی تأسیس شده است.

نتیجه‌گیری

این بررسی و تجزیه و تحلیل داده‌ها، به این نتیجه می‌رسد که مؤسسات کنفوسیوس به‌عنوان ابزاری از قدرت نرم چین، به‌طور مؤثری در خاورمیانه عربی نفوذ کرده و سیاست‌گذاران، اعضای

هیئت علمی دانشگاه‌ها و دانشجویان تقریباً بدون انتقاد قابل توجهی، از این مؤسسات استقبال کرده‌اند. دیپلماسی چین ادعا می‌کند که فعالیت‌های چین در عرصه جهانی بر حوزه‌های مالی و تجاری متمرکز است و هیچ‌گونه آرزوی سیاسی یا دیگری را در عرصه جهانی همچون نقش پلیس جهانی ایالات متحده ندارد. مقامات چین، مدعی هستند که به دنبال ایجاد یک هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و ایجاد دنیایی از همکاری‌ها که هر دو طرف از آن منفعت ببرند، می‌باشند. دامنه مطالعه حاضر، بحث برای نشان دادن ماهیت دیپلماسی چین و نحوه کار خطوط ارتباطی و نرم توسط چینی‌ها ارائه شده است. در نتیجه، جای تعجب نیست که مؤسسات کنفوسیوس، دانشجویان خود را به سمت مطالعه زبان، فرهنگ و ارتقای فرهنگ چینی سوق می‌دهند؛ نه این که به مباحث ناخوشایند دیگری بپردازند و این مهم، برای دولت چین که از مؤسسات حمایت می‌کند، قابل قبول است.

نکته دیگر آن که تمام کشورهای عربی مورد بحث، در این مطالعه موردی از نظر سیاسی، ساختار غیردموکراتیک دارند و از این جنبه، به سیستم سیاسی چین نزدیک‌تر از دموکراسی‌های غربی هستند. چین، الگویی را به آن‌ها ارائه می‌کند که گرچه دموکراتیک نیست؛ ولی از نظر ماهیت سیستم سیاسی داخلی، به آن‌ها نزدیک‌تر است و با این حال، یک اقتصاد جهانی پررونق است. مدل یک کشور غیردموکراتیک که هنوز دارای یک اقتصاد پررونق است، در مقایسه با کشورهای غربی و به‌ویژه ایالات متحده، الگوی آسان‌تری برای جذب و پذیرش توسط کشورهای عربی است؛ به‌ویژه این که برای سال‌ها تبلیغ می‌شد که توسعه اقتصادی وابسته به ایجاد یک ساز و کار دموکراتیک در سیستم سیاسی کشورها است. اکنون بسیاری از کشورهای عربی، به چین به‌عنوان یک قدرت برتر جهانی در آینده نگاه می‌کنند که می‌تواند به‌مثابه جایگزینی برای غرب تبدیل شود.

بنابراین کاملاً واضح است که چرا برای کشورهای عربی، پذیرش گرم مؤسسات کنفوسیوس که برای آن‌ها روش مناسب‌تری در حکمرانی است، آسان است؛ درحالی‌که بسیاری از کشورهای غربی، از حضور این مؤسسات در دانشگاه‌های خود احساس نگرانی می‌کنند. به بیان دیگر؛ شاید بتوان گفت که نسبت معکوسی بین سطح دموکراسی و نیاز به سرمایه‌گذاری خارجی با میزان فعالیت مؤسسات کنفوسیوس وجود دارد. در جوامع دموکراتیک، سیاست‌گذاران در محافل دانشگاهی و در سیستم سیاسی توانسته‌اند، انتقادات بیشتری نسبت به چنین خطوط ارتباطی قدرت نرم و نفوذ داشته باشند که در بعضی موارد حتی منجر به تعطیلی این مؤسسات شده است. علاوه بر این، بسیاری از کشورهای عربی، به‌استثنای کشورهای مرفه خلیج فارس، حاضر به پذیرش سریع و بدون چون و چرای هرگونه سرمایه‌گذاری و توجهی را که می‌تواند به کیفیت و تنوع سیستم آموزش محلی آن‌ها کمک کند، بودند. به دنبال پیشنهاد چین به این کشورها و پس از شهرت مؤسسات کنفوسیوس در منطقه، طبیعی است که طرف عربی، پیشنهادهای تأسیس

مؤسسات را به گرمی بپذیرد تا به ارتقا و بهبود سیستم آموزش محلی آن‌ها کمک کند. به علاوه در چنین شرایطی، احتمال بحث در مورد نوع محتوای ارائه شده توسط مؤسسات کنفوسیوس واقع در کشورهای عربی، کمتر محلی از اعراب دارد که کشورهای میزبان بخواهند، اقداماتی در جهت جلوگیری از آن انجام دهند. این واقعیت نیز که چینی‌ها تمایل دارند، دانشگاه‌های عربی محل مؤسسات را با دانشگاه‌های مستقر در مناطقی از چین که عمدتاً مسلمان‌نشین هستند، پیوند دهند و به تقویت روابط بین طرفین و همچنین توانایی چین برای نظارت دقیق‌تر بر طرفین کمک می‌کند تا گفت‌وگوهای مطلوب پکن در بین طرفین در جریان باشد. بنابراین، می‌توانیم نتیجه بگیریم که چینی‌ها قصد دارند تا گفت‌وگوها را تحت تأثیر قرار دهند و آن را مطابق میل خود شکل دهند و تأسیس مؤسسات در کشورهای خارجی دارای انگیزه و هدف دیگری، فراتر از برگزاری کلاس‌های فرهنگ و زبان چینی هست که همانا تأثیرگذاری بر کشورهای میزبان در جهت خواست دولت چین است.

این مطالعه، پایه و اساس تحقیقات بیشتر در زمینه قدرت نرم چین به‌طور کلی و تلاش‌های چینی در دانشگاه‌های بین‌المللی به‌طور خاص را ایجاد می‌کند و انتظار می‌رود تا زمانی که موقعیت جهانی چین به رشد خود ادامه می‌دهد، جامعه دانشگاهی همچنان به آن علاقه‌مند باشد. سه معیار این شاخص (عرضه و تقاضا، قرار گرفتن در معرض رسانه‌ها، مشارکت و شناسایی) برای ارزیابی سطح موفقیت نفوذ مؤسسات کنفوسیوس در دانشگاه‌های خارجی یا هر مؤسسه دیگری در سایر مناطق که توسط دولت چین تأمین مالی می‌شود، ممکن و مفید است.

برای جلوگیری از تبدیل شدن شبکه مؤسسات کنفوسیوس به تهدیدی قابل توجه و مرتبط با چین، کشورهایی که میزبان مؤسسات کنفوسیوس هستند یا برنامه‌ریزی می‌کنند، باید نکات و توصیه‌های زیر را در نظر بگیرند:

نخست؛ به‌عنوان یک ابزار قدرت نرم نهادینه شده توسط جمهوری خلق چین، مؤسسات کنفوسیوس نباید به‌عنوان مؤسسات ارائه‌دهنده تخصص در نظر گرفته شوند؛ بلکه به‌عنوان مراکز ترویج فرهنگ چینی با پیروی از دستورالعمل‌های وزارت آموزش و پرورش و در نهایت حزب کمونیست چین. بنابراین، از مؤسسات نمی‌توان انتظار عینی در ارزیابی موضوعات حساس داشت. دوم؛ مدل مالی فعلی مؤسسات باید بجای تأمین مالی، از طریق بودجه مرکزی مؤسسه میزبان، به نفع ورودی بودجه واحد مستقیم تخصیص یابد تا استقلال مؤسسه میزبان افزایش یابد.

سوم؛ برنامه‌های مطالعات چینی دانشگاهی باید کاملاً جدا از کار مؤسسات کنفوسیوس باشد و به هیچ وجه، به‌طور جزئی یا غیر آن، به آن‌ها وابسته نباشد. برنامه‌های مشترک موجود باید بازنگری شود. ممیزی‌های داخلی برای نظارت بر آزادی تحصیلی و خطرات خودسانسوری در چنین برنامه‌هایی توصیه می‌شود.

چهارم؛ اطمینان حاصل شود که کلاس‌های زبان چینی توسط اساتید یا مربیانی که توسط خود دانشگاه انتخاب شده و پرداخت هزینه می‌شوند، تدریس می‌شود و برون‌سپاری دوره‌های آموزشی به خود Hanban باید کاهش یابد.

پنجم؛ تمامی تفاهم‌نامه‌ها، قراردادهای و سایر توافقات بین دانشگاه و Hanban در دسترس قرار گیرد. میزان بودجه سالانه‌ای که دانشگاه از Hanban دریافت می‌کند و میزان کمک دانشگاه میزبان مشخص شود. همه سفرها، افتخارات و جوایزی را که کارگزاری‌های دولت چین به مقامات دانشگاه اعطا می‌کنند، اعلام شود.

ششم؛ زبانی دیگر اضافه شده و مشخص شود که در تمام اختلافات مربوط به قوانین چین و کشور میزبان، قانون میزبان اولویت دارد و Hanban در صورت نقض قوانین، در هنگام راه‌اندازی مؤسسه کنفوسیوس باید مسئولیت قانونی را بپذیرد. همچنین باید بررسی شود که آیا مؤسسه کنفوسیوس، خطر جاسوسی یا جمع‌آوری اطلاعات حساس توسط دولت خارجی را افزایش می‌دهد یا خیر.

کتابنامه

أش أ، ب. (۲۰۱۲، دسامبر ۱۹). معهد كونفوشيوس بجامعة قناة السويس من أفضل ۲۰ معهدا بالعالم والأهم بالشرق الأوسط. بازیابی از الیوم السابع:

<https://www.youm7.com/story/2012/12/19>

أبو العز، ه. (۲۰۱۸، نو فمبر ۲۰). رئیس جامعة الإسكندرية يبحث إنشاء معهد كونفوشيوس لدراسة للغة الصينية. بازیابی از الیوم السابع:

<https://www.youm7.com/story/2018/11/20>

References

- Addustour. (2016). Recommendation to Establish Chinese Cultural Centers in Arab Countries and Provide Scholarships. Addustour News.
- Addustour. (2017). Talal Abu-Ghazaleh Organization renews the agreement with the Shenyang Normal University of China. Addustour News.
- Addustour. (2018). Celebrate the Chinese New Year in Philadelphia. Addustour News.
- Al-Ayam. (2017). Expressing the Message of the Chinese Philosopher who Calls for Peace.
- Albert, E. (2018). China's Big Bet on Soft-Power. New York: Council on Foreign Relations.
- Alipoor, Ali and others (2019), Necessities of Iran's geopolitical expansion in the Arab Middle East with emphasis on recent developments, Security horizons, Vol 3, No 9
- Al-Ma'amah, M. (2010). Increased Demand to Learn Chinese in Jordan Through Three Institutes. Asharq Al-Awsat.

- Al-Majed, O. (2014). Activating the Historic Royal Visit to the Republic of China. Al-Ayam.
- Alnilin. (2018). 137 Sudanese students receive a scholarship to study in China. Alnilin News.
- Al-Saadani, Z. (2017). The Confucius Institute in Cairo University Wins the Prize for the Best Institute for Chinese Language Tests. Alwafd News.
- Al-Wasat. (2017). Chinese Culture Week kicks off at the University of Bahrain. Al-Wasat News.
- Angop. (2016). Egypt: Confucius Institute Expands Chinese Learning in Egypt. Agencia Angola Press.
- Carr, E. (1954). The twenty years crisis. New York: Macmillan.
- CEIC. (2019). China Oil Consumption 1965-2018. CEIC.
- Center, W. (2020). China's Soft-Power campaign. Wilson Center.
- China, N. B. (2019). The annual data of China' GDP. NBS.
- ChinaDaily. (2020, 4 16). First Confucius Institute to open in Saudi Arabia. Retrieved from Hometown of Confucius: Shandong, China: http://subsites.chinadaily.com.cn/shandong/2020-04/16/c_471850.htm
- CRI. (2015). With the Establishment of 500 Confucius Institutes, China Opens a Gateway into its Culture to the. China Radio International.
- Daily, P. (2012). Confucius Institute in Morocco is testing Chinese language proficiency for the first time. People Daily Arabic.
- Ain News. (2011). Earth Speaks Chinese.
- Fadel, R. (2014). The Chinese Language Attracts Businessmen, Employees and Students. Beirut: Annahar.
- Florida, R. (1999). Engine or Infrastructure? The University Role in Economic Development. MIT Press.
- Fu, W. (2009). First Confucius Institute in the Arab Countries. Arabic China News.
- GDN. (2018). 40 "graduates of Confucius Institute awarded certificates at Bahrain University. GDN online.
- Gil, J. (2019). Do Confucius Institutes teach Chinese Propaganda? Asia Times.
- Guanha, G. (2007). Assessment Report on the Soft-Power of China. International Review.
- Hanban. Constitution and By-Laws of the Confucius Institutes. Retrieved from Confucius Institutes: <https://confucius.nju.edu.cn/t489/6277/list.htm>
- Hui, L. (2018). The Role of Confucius Institutes in Popularizing the Education of the Chinese Language and Spreading Chinese Culture. China Today.
- Kader, B. A. (2018). Emirati schoolchildren say 'ni hao' to Mandarin. Gulf News.
- Lai, H. (2012). China's Soft-Power and international relations. London: Routledge.
- Lebel, U. (2020). Chinese Soft-Power Pipelines Diffusion to the Middle Eastern Arab Countries 2000-2018: A Discursive-Institutional Study. British Journal of Middle Eastern Studies, 1-19.

- Li, L. (2019). *Language Management and Its Impact: The Policies and Practices of Confucius Institutes*. London: Routledge
- Libo-on, L. (2011). Dubai varsity opens Confucius Institute. *Khaleej Times*.
- MacMillan, M. (1985). *Nixon and Mao: The Week That Changed the World*. Random House Digital.
- Magnier, M. (2006). Attack of the Pandas. *LA Times*.
- McClory, J. (2018). *The Soft-Power 30 – A Global Ranking of Soft-Power 2018*. Portland: USC Center on Public Diplomacy.
- Moussly, R. (2010). Chinese language, culture classes on offer in Dubai. *Gulf News*.
- Nye, J. (1990). *Soft-Power*. Washington D.C: Foreign Policy.
- Nye, J. (2003). Propaganda Isn't the Way: Soft-Power. *International Herald Tribune*.
- Nye, J. (2004). *Soft-Power: The Means to Success in World Politics*. Public Affairs.
- Nye, J. (2009). *The rise of China's Soft-Power and its Implications for the United States*. Harvard Kennedy School.
- Nye, J. (2011). *The Future of Power*. New York: Public Affairs.
- Report, S. (2009). *A message from Confucius: New ways of projecting soft power*. London: Economist.
- Rutkowski, D. (2007). Converging us softly: how intergovernmental organizations promote neoliberal educational policy. *Critical Studies in Education*, 229-47.
- Saad, M. (2018). Details of the Minister of Higher Education's Participation in the Opening of the Confucius Model Institute in Cairo University. *Ahram*.
- Swan, M. (2012). Chinese lessons help Dubai Police break down barriers. *National UAE*.
- Wanglast, N. (2016). Chinese ... a Language that Makes the Future for the Graduates' Families in Sudan. *Aarabic China*.
- Xinhua. (2016). China's Confucius Institute celebrates 10th anniversary in Lebanon.
- Xinhua. (2018). Confucius Institutes Enhance Mutual Understanding Between China and Countries of the World. *Beijing*.
- Yi, Y. (2018). Confucius Institute opens classroom in Tunisia. *Xinhua*.
- Zayed, A. (2017). Memorandum of Understanding between the Confucius Institute in Ismailia and the Suez Canal University. *Elwatan News*.
- Zhiling, H. (2018). Ten New Confucius Institutes lift Global Total to 548, Boosting Ties. *China Daily*.